

نویسنده: پاول پیلر (Paul Pillar).

منبع و تاریخ نشر: ستیت گرفت «2025-03-07».

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

**آتش بس غزه به دیوار خشتی دستور کار نتانیا هو برخورد
می کند**

**Gaza ceasefire hits the brick wall of Netanyahu's
agenda**



دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده، در 4 فوریه 2025 با بنیامین نتانیا هو، نخست وزیر اسرائیل در دفتر بیضی شکل کاخ سفید دیدار کرد. عکس از اندرو کابالرو-رینولدز/ خبرگزاری فرانسه از طریق گتی ایماژ

یا

آتش بس غزه وارد دیوار آجری شوم ترامپ و نتانیاهو شد

Gaza Cease Fire Runs Into Sinister Brick Wall of Trump and Netanyahu -

عمدتاً به دلیل احترام رئیس جمهور ایالات متحده به نخست وزیر
راست افراطی اسرائیل، محتمل ترین سناریوی کوتاه مدت برای نوار
غزه، از سرگیری حمله نظامی اسرائیل است.

*Due largely to the U.S. president's deference to Israel's far-
right prime minister, the most likely near-term scenario for
the Gaza Strip is thus a resumption of the Israeli military
assault.*

توافق آتش بس در نوار غزه به دلایلی که در زمان حصول توافق در ژانویه قابل پیش بینی
بود، در آستانه انحلال است.

برای دنبال کردن مرحله اولیه شش هفته ای که به تازگی به پایان رسیده است، این
توافق فاز دوم و سوم را پیش بینی می کند که شامل آزادی بیشتر گروگان ها توسط هر دو
طرف، عقب نشینی نظامی اسرائیل از نوار غزه و طرح بازسازی می شود. اما آن بخش های
توافق صرفاً طرح ها یا بیانه های از اهداف بود که برای حل و فصل همه جزئیات به
مذاکرات بیشتری نیاز بود.

هما نظور که در "Responsible Statecraft" در زمان اعلام توافق به آن اشاره
شد، بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل، دلایل شخصی و سیاسی قوی برای ننگ داشتن
اسرائیل در جنگ دارد، از جمله نیاز او به حفظ ائتلاف با راستگرایان افراطی در دولت
خود که سیاست آنها در مورد غزه حذف همه فلسطینی ها از نوار است. بنابراین، نتانیاهو

انگیزه‌هایی برای خرابکاری در توافق آتش بس قبل از اجرای آن به توقف دائمی خصومت‌ها داشته است.

چنین خرابکاری‌هایی به خوبی در جریان است. اسرائیل در طول مرحله اول آتش بس را مکرراً با حملات هوایی و زمینی که تلفاتی در پی داشته است، نقض کرده است. با توجه به اینکه حماس طعمه پاسخگویی با خصومت‌های تمام عیار را نمی‌پذیرد، نتانیا‌هو اکنون در تلاش است تا کل فاز دوم و سوم توافق را به باد دهد و آن را با چیزی بیشتر به میل اسرائیل جایگزین کند. نتانیا‌هو به جای مذاکره در مورد جزئیات فاز دو، همانطور که در توافق لازم است، فرمولی را اعمال می‌کند که شامل آتش بس 50 روزه می‌شود که در پایان آن همه گروگان‌های اسرائیلی آزاد می‌شوند.

با وجود هیچ ماده‌ای در پیشنهاد نتانیا‌هو برای خروج نظامی اسرائیل از غزه یا توقف دائمی خصومت‌ها، این فرمول برای حماس آشکارا غیر شروع کننده است. در ازای هیچ چیز، از تراشه‌های چانه زنی باقی مانده خود صرف نظر می‌کند. حماس پیشنهاد نتانیا‌هو را "تلاش آشکاری برای نادیده گرفتن توافق و فرار از مذاکرات برای مرحله دوم آن" توصیف کرد.

این در حالی است که سایر موارد نقض توافق ژانویه توسط اسرائیل همچنان ادامه دارد. هفته گذشته اسرائیل اعلام کرد که نیروهای خود را، همانطور که در توافقنامه تصریح شده است، از کریدور فیلادلفی، منطقه‌ای در امتداد مرز بین نوار غزه و مصر، خارج نمی‌کند. این هفته اسرائیل مانع از ورود همه کمک‌های بشردوستانه به نوار غزه شد.

انگیزه‌های نتانیا‌هو برای از سرگیری حمله اسرائیل به غزه به جای دستیابی به توافقی برای صلح پایدار، حداقل در حال حاضر به همان اندازه قوی است که در اواسط ژانویه بود. بزرگترین عامل در این معادله، احترام دولت ترامپ به ترجیحات اسرائیل است، همانطور که در چهره خندان نتانیا‌هو پس از شنیدن این موضوع که پرزینت ترامپ همانقدر طرفدار پاکسازی قومی کامل نوار غزه است، منعکس شد که افراط‌گرایان در دولت نتانیا‌هو طرفدار آن هستند.

و آن افراط‌گرایان مانند همیشه در مورد از سرگیری حمله ویرانگر به ساکنان نوار غزه پس از گرسنگی دادن و قطع منابع آب و برق آنها هستند.

بنابراین محتمل‌ترین سناریوی کوتاه مدت برای نوار غزه، از سرگیری حمله نظامی اسرائیل است. چنین از سرگیری شانس بیشتری برای دستیابی به هدف اعلام شده اسرائیل یعنی «نابودی حماس» به اندازه تخریب 15 ماهه قبلی نخواهد داشت.

در مورد جمعیت غیرنظامی غزه، علی‌رغم هرگونه نارضایتی از حماس به دلیل تصمیمش برای آغاز حمله اکتبر 2023 به اسرائیل، به این غیرنظامیان هیچ جایگزین جذابی برای ادامه مقاومت داده نشده است. هر کسی که ممکن است روزی از دیدگاه ترامپ در مورد "ریویرای خاورمیانه" در غزه لذت ببرد، این فلسطینی‌ها نیستند که در حال حاضر در آنجا زندگی می‌کنند. آنها در عوض در تبعید با افتضاح روبرو خواهند شد و حتی در آن صورت نیز از حملات بیشتر اسرائیل در امان نخواهند بود.

توافق اولیه ژانویه، با وجود تمام نقاط ضعفش، بهترین چیزی بود که دیپلماسی بین‌المللی در آن زمان می‌توانست برای مدیریت فوری فاجعه غزه ایجاد کند. این واقعیت که توافق تنها پس از چندین هفته میانجیگری و مذاکره حاصل شد، نشان می‌دهد که این توافق بیشترین چیزی بود که می‌توانست از طرف طرف‌ها - از جمله حماس، با وجود ضرباتی که در طول بیش از یک سال جنگ متحمل شده بود، تحت فشار قرار دارد.

ایالات متحده، به ویژه با توجه به کمک‌های نظامی گسترده خود به اسرائیل، این اهرم را دارد که انگیزه‌هایی برای به قوت خود باقی ماندن توافق و انجام مذاکرات جدی در فازهای دو و سه ایجاد کند. واضح است که دولت ترامپ از این اهرم استفاده نمی‌کند. در واقع، نتانیاهو می‌گوید که فرمول جایگزین او برای آتش‌بس موقت بدون پایان دائمی خصومت‌ها و عدم عقب‌نشینی اسرائیل، چارچوبی است که توسط استیو ویتکاف، فرستاده ترامپ در خاورمیانه - همان استیو ویتکاف که برای میانجی‌گری در توافق اولیه ژانویه به او اعتبار داده شده بود، پیشنهاد شده بود.

این چرخش دولت علاوه بر پیامدهایی برای مردم رنج‌دیده غزه، پیامدهایی برای اعتبار ایالات متحده نیز دارد. کمک به ایالات متحده برای از بین بردن توافقی که همان دولت ایالات متحده - و حتی همان فرستاده ایالات متحده - به مذاکره در آن کمک کرده بود، تردیدهای خارجی را تشدید خواهد کرد که از قبل به دلیل وارونگی‌های مشابه دولت در مورد تجارت بین‌الملل، در مورد توانایی و تمایل ایالات متحده برای پایبندی به تعهداتش وجود داشت.

اگر قرار است جایگزین‌هایی برای توافق ژانویه در مورد غزه در نظر گرفته شود، قطعاً باید به آنچه کشورهای عربی انجام می‌دهند نگاه کرد. اعراب برای جمع‌آوری کنش جمعی خود با چالش‌هایی روبرو بوده‌اند، عمدتاً به دلیل نگرش‌های متفاوت نسبت به حماس و اسلام‌گرایی سیاسی به‌طور کلی، اما در نشستی که به تازگی در قاهره به پایان رسیده بود، آنها طرح مصر را تأیید کردند که به بازسازی و اداره موقت نوار غزه می‌پردازد.

پیشنهاد مصر خواستار تشکیل کمیته تکنوکراتیک و غیرحزبی فلسطینی برای اداره نوار طی یک دوره انتقالی شش‌ماهه است. حماس از این پیشنهاد استقبال کرد، موضعی که با نشانه‌های قبلی همخوانی دارد که نشان می‌دهد این گروه مشتاق ادامه اداره غزه

نیست، حتی اگر به مقاومت در برابر خلع سلاح یکجا نبه توان نظا می خود ادامه دهد. اسرائیل این پیشنهاد را رد کرد، زیرا با مخالفت خود با هر چیزی که به مسیری برای خودمختاری فلسطین اشاره می کند، سازگار است.

دولت ترامپ پیشنهاد مصر را نادیده گرفت و حمایت خود از ایده ریویرا در غزه ترامپ را تکرار کرد. سخنگوی کاخ سفید همچنین این جمله عجیب دولت را تکرار کرد که چون «غزه در حال حاضر غیر قابل سکونت است»، این به نوعی دلیلی برای حمایت از سیاست های دولتی است که غزه را غیر قابل سکونت کرده است.

کاخ سفید این هفته تایید کرد که دولت مذاکرات محرمانه ای با حماس داشته است، در تماسی که آشکارا بر آزادی گروگان ها و به ویژه گروگان های آمریکایی متمرکز بوده است. این واقعیت که مقام آمریکایی درگیر به جای ویتکاف، نماینده ویژه در امور گروگان ها بود، دلالت بر چنین برنامه ای دارد. هیچ نشانه ای مبنی بر تغییر موضع گسترده تر دولت وجود ندارد، رئیس جمهور ترامپ با صدور بیانیه ای خصمانه حماس را تهدید کرد و گفت که «هر آنچه را که برای به پایان رساندن کار لازم است به اسرائیل می فرستد» در غزه.

اگرچه پیشنهاد مصر برای رسیدگی به وضعیت فوری شایسته توجه است، اما درخواست از اعراب برای ارائه ایده های خود تا حدودی عجیب است، زیرا اتحادیه عرب بیش از دو دهه پیش پیشنهاد صلحی را ارائه کرد که صلح و به رسمیت شناختن کامل اسرائیل از سوی همه کشورهای عربی را ارائه می دهد، در صورتی که اسرائیل به اشغال سرزمین های فلسطینی پایان دهد و کشور فلسطین را بپذیرد.

آن پیشنهاد هنوز روی میز است.

داد و بیداد خلاف قانون اساسی

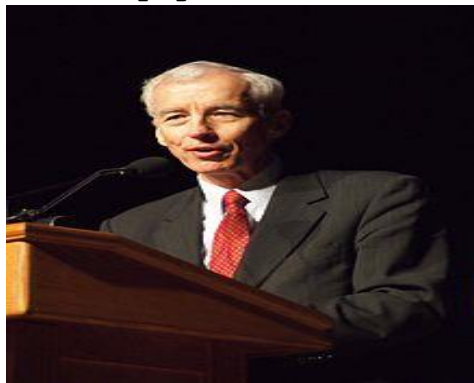
ترامپ و ماسک در یک تجاوز غیرقانونی هستند و تقریباً هر گوشه ای از دولت فدرال را هدف گرفته اند. این دو میلیارد دست راستی پرستاران، دانشمندان، معلمان، مهدکودک ها، قضات، کهنه سربازان، کنترلرهای ترافیک هوایی و بازرسان ایمنی هسته ای را هدف قرار می دهند. هیچ کس در امان نیست. برنامه کوپن غذا، تامین اجتماعی، مدیکر و مدیکید در رتبه های بعدی قرار دارند.

این یک فاجعه بی سابقه و یک آتش سوزی با پنج زنگ هشدار است، اما حساسی وجود خواهد داشت. مردم به این رای ندادند. مردم آمریکا این منظره جهنمی دیستوپایی را که در پس ادعاهای «کارآمدی» پنهان می شود، نمی خواهند. با این حال، در واقعیت، همه اینها هدیه ای به منافع شرکت ها و رویاهای آزادی خواهانه الیگارشی های راست افراطی مانند ماسک است.

روایه‌های مشترک با گزارش روز و شب در مورد این عیاشی فساد و طمع، و همچنین آنچه که مردم روزمره می‌توانند برای سازماندهی و مقابله با آن انجام دهند، نقش حیاتی ایفا می‌کند. ما به‌عنوان یک رسانه خبری غیرانتفاعی با قدرت مردمی، مسائلی را پوشش می‌دهیم که رسانه‌های شرکتی هرگز این کار را نخواهند کرد، اما تنها با حمایت خوانندگان خود می‌توانیم ادامه دهیم.

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

پل پیلار یک دانشگاهی و کهنه سرباز 28 ساله در آژانس اطلاعات مرکزی (سیا) است که از سال 1977 تا 2005 خدمت کرده است [1]. او اکنون یک کارشناس ارشد غیر مقیم در مرکز مطالعات امنیتی دانشگاه جورج تاون، [2] و همچنین یک کارشناس ارشد غیر مقیم در مرکز امنیت و اطلاعات قرن بیست و یکم موسسه بروکینگز است [1]. او استاد مدعو جورج بود



پل پیلار

----- با تقدیم احترامات «2025-03-12»

